

ارزیابی میزان کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی

نیما قاسم‌نژاد مقدم^۱

تاریخ پذیرش: ۸۹/۱۱/۱۰

تاریخ وصول: ۸۹/۶/۱۷

چکیده

امروزه که کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته و به سوی خودکارفرمایی و خوداشتغالی در حرکت است، نقش کلیدی کارآفرینی و کارآفرینان در جامعه بدلیل توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع، بیشتر به چشم می‌خورد. تجربه‌های کشورهایمانند ژاپن، کره جنوبی، مالزی و هند، آکنده از فعالیت‌های چشمگیر کارآفرینانی بوده است که امروز به توسعه‌یافتگی کشور خود می‌بالند. باید توجه داشت، کارآفرینان تنها به ایجاد فرصت‌های شغلی جدید نمی‌پردازند، بلکه با تفکر و تحرک لازم، به تخریب خلاق دست می‌زنند تا از دل ویرانه‌های کهن، بنای رفیع آبادانی و پیشرفت را برافرازند. در این تحقیق، ویژگی پنجگانه کارآفرینی تحت عناوین انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، خطرپذیری، خلاقیت و کنترل درونی برای ارزیابی ویژگی کارآفرینی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، اندازه‌گیری شده است. تحقیق حاضر از نوع توصیفی است و روش نمونه‌گیری، تصادفی طبقه‌ای می‌باشد. به منظور برآورد واریانس جامعه و تعیین حجم نمونه ابتدا یک گروه ۳۰ نفری بصورت تصادفی از میان دانشجویان انتخاب شدند و واریانس جامعه از طریق توزیع پرسشنامه در بین آنها محاسبه گردید. بر اساس واریانس و فرمول حجم نمونه، مقدار نمونه ۵۱۰ نفر از جامعه آماری که بیش از ۲۷ هزار دانشجو بود، برآورد گردید. طبق تحقیق، دانشجویان در ویژگی‌های استقلال‌طلبی، انگیزه

^۱ کارشناس ارشد مدیریت صنعتی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلخچی N_Ghasemnejhad@yahoo.com

پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین و در زمینه ریسک‌پذیری و کنترل درونی پایین‌تر از حد میانگین هستند. سپس این ویژگی‌ها بین متغیرهای جنسیت، گروه‌های تحصیلی و مقطع تحصیلی نیز مورد بررسی قرار گرفت که بین میزان انگیزه پیشرفت، استقلال‌طلبی، خطرپذیری و کنترل درونی دانشجویان گروه‌های تحصیلی تفاوتی وجود نداشت ولی میزان خلاقیت دانشجویان گروه فنی و مهندسی و پایه از دانشجویان گروه علوم انسانی بیشتر است. دانشجویان پسر نیز نسبت به دختران استقلال‌طلب‌تر، ریسک‌پذیرتر و خلاق‌تر هستند. از نظر متغیر وضعیت تاهل، بین میزان استقلال‌طلبی، خطرپذیری، خلاقیت و کنترل درونی دانشجویان گروه‌های تحصیلی تفاوتی وجود نداشت ولی میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان مجرد از دانشجویان متأهل بیشتر است. بررسی متغیر مقطع تحصیلی بیانگر این مسئله بود که بین ویژگی‌های ریسک‌پذیری و نیاز به استقلال تفاوتی بین مقاطع کارشناسی و کاردانی با مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری وجود نداشت ولی مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری از نیاز به پیشرفت، خلاقیت و کنترل درونی بالاتری برخوردار بودند.

کلمات کلیدی: کارآفرینی، ویژگی‌های کارآفرینی، دانشگاه کارآفرین.

مقدمه

جهان در اواخر قرن بیستم شاهد تغییرات بسیار گسترده در تمامی عرصه‌های کسب و کار بوده است. به طوری که امروزه مفاهیمی چون جهانی شدن، افزایش رقابت، توسعه فناوری اطلاعات، توجه به کیفیت کالاها و خدمات، مشتری‌مداری و مانند اینها، اداره امور بخش عمومی را در سراسر جهان با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. از جمله راه‌کارهای مؤثر دولتی برای رویارویی با این چالش‌ها، توسل و روی آوردن به بحث کارآفرینی در جامعه می‌باشد. از این رو کارآفرینی موضوعی است که در اواخر قرن بیستم مورد توجه محافل آموزشی کشورهای جهان قرار گرفته است (نیازی و نصرآبادی، ۱۳۸۶).

کارآفرینی^۱ به عنوان عامل کلیدی رشد و توسعه اقتصادی در عصر مدرن شناخته شده است و در مرکز رقابت بین‌المللی، شرکت‌های کارآفرینانه هستند که لبه تیز رقابتی آن‌ها

^۱. Entrepreneurship

معطوف به انعطاف سازمانی و استراتژی تغییر مستمر در فرآیندها، محصولات و طرحهاست (پروکوپنکو و پاولین، ۱۹۹۱).

«کارآفرینی» بر خلاف صورت ظاهری آن، به معنای ایجاد کار نیست، این موضوع در جامعه و حتی در میان تحصیل کردگان نیز به صورت غلط و به معنای «ایجاد کار» متداول شده است؛ در حالی که ایجاد کار و شغل ممکن است یکی از نتایج کارآفرینی باشد (صبغیان و همکاران، ۱۳۸۴، ۱۶۴). سه دلیل عمده کشورها برای توجه به مقوله کارآفرینی، تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد است، در حالیکه در کشور ما به اشتباه این مفهوم صرفاً با اشتغال زایی مترادف شده است (قاسم نژاد و سیدی، ۱۳۸۸، ۵۷۸). کارآفرینی فرآیند پویایی است که از تعامل بین چهار عنصر: محیط، فرصت کسب و کار، فرد (افراد) و صنایع به وجود می‌آید و در صورتی که این عناصر با هم جور شوند، نتیجه آن می‌تواند موجب به وجود آمدن شرکتی نوپا و یا رشد شرکت موجود شود و بدین ترتیب، باعث اصلاح و توسعه اقتصاد جامعه گردد. این فرآیند مستلزم وجود فردی کارآفرین با مهارتها، شایستگی‌ها، ویژگی‌ها، نگرش‌ها، تجربه‌ها و سابقه لازم به منظور موفقیت در کسب و کار است (مالبرگ، ۱۹۹۵).

امروزه دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها نیز دریافته‌اند که آن‌ها وارد محیط‌های کاری متغیر، پویا و پیچیده خواهند شد، عواملی مانند جهانی شدن، رقابت و رشد سریع فناوری، دنیای فرصت‌های کاری را تغییر داده‌اند. امروزه انتظارات کارفرمایان تغییر یافته و آن‌ها نیاز به کارکنانی دارند که رفتارها و گرایشهای کارآفرینانه از خود نشان دهند (دراکر^۱، ۱۹۸۵). از طرف دیگر، اکثریت مشاغل نوین، در شرکتهای کوچک و متوسط ایجاد می‌شوند. در نتیجه شرکت‌های امروزی کوچک‌تر شده و سازمان‌های بزرگتر نیز (با استفاده از فن‌آوریهای نوین) عموماً افراد کمتری را به کار می‌گیرند. این امر بدین معنا است که دانشجویان و دانش‌آموختگان قرن بیست و یکم امنیت شغلی پایدار و بلند مدت نخواهند داشت. از این رو در حال حاضر، آموزش دانشگاهی به عنوان ابزار کارایی دانش‌آموختگان، به چالش کشیده شده است

^۱. Drucker

(زالی و همکاران، ۱۳۸۶، ۸۳). از این رو در سالهای اخیر مشاهده می‌شود که دانش‌آموختگان دانشگاهها به طور جدی علاقه مند به ایجاد کسب و کارهای مستقل برای خودشان هستند. این جریان، تغییرات عمده‌ای در الگوهای اشتغال را نشان می‌دهد. برای مثال، در انگلستان، از سال ۱۹۸۴ تا ۲۰۰۰، میزان خود اشتغالی به ۱۴ درصد جمعیت فعال (در مجموع برابر ۳/۴۲۳/۰۰۰ نفر) رسید (دوهایم و هیت^۱، ۲۰۰۰). همچنین در سال ۱۹۹۶، شاخص فعالیت کارآفرینانه در خصوص دانش‌آموختگان دانشگاهی در آمریکا ۳۰ درصد بوده، در حالی که این شاخص در سال ۲۰۰۴ به ۳۲ درصد ارتقا یافته است (واگ و واگ^۲، ۲۰۰۲). پژوهش دیگری نشان می‌دهد که ۸/۳ درصد فارغ التحصیلان دانشگاههای آمریکا کارآفرین هستند، در حالی که این نسبت در مورد دانش‌آموختگان انگلیسی برابر ۳/۳ درصد است (بوسما و هاردینگ^۳، ۲۰۰۶).

به هر حال نیاز به دانش‌آموختگان و دانشجویان کارآفرین افزایش یافته است و هدف بسیاری از دانشگاههای معتبر جهان، پرورش دانشجویان و در نتیجه دانش‌آموختگان کارآفرین است. در واقع امروزه، پرورش استعداد کارآفرینانه دانش‌آموختگان به عنوان دستور کار ملی، به منظور توسعه کارآفرینی مورد توجه اقتصاددانان و دانشگاهها در کشورها قرار گرفته است و این نیز نیازمند داشتن دانشگاههایی کارآفرین می‌باشد و دانشگاهها هم باید در مسیر کارآفرین شدن گام بردارند.

به اعتقاد برخی پژوهشگران مسیر حرکت به سوی دانشگاه کارآفرین، مسیری به نسبت طولانی و چالشی است که از مراحل زیر می‌گذرد:

- مرحله نخست؛ پیدا کردن نگرشی راهبردی و تعیین اولویتهای دانشگاه از طریق گفتگو با ارایه دهندگان یا تأمین کنندگان منابع دانشگاهی.
- مرحله دوم؛ ایفای نقش فعالانه دانشگاه در تجاری کردن داراییهای فکری ناشی از فعالیت‌های اعضای هیئت علمی، کارکنان و دانشجویان دانشگاه.

¹. Duhaime and Hitt

². Wage and wag

³. Bosma and Harding

- مرحله سوم؛ ایفای نقش پیش فعالانه دانشگاه در بهبود کارایی محیط نوآوری در منطقه، از طریق تشریک مساعی با فعالان عرصه صنعت و جلب مشارکت دولت. بنابراین حرکت به سوی کارآفرینی دانشگاهی واکنشی است به تغییرات درونی و بیرونی که مدیریت آن بدون نوعی فعالیت‌های جدید، میسر نمی‌باشد (برینکمن، ۲۰۰۵).

یونسکو در چشم انداز جهانی آموزش عالی برای قرن بیست و یکم، دانشگاه‌های نوین را اینگونه توصیف کرده است: "جایگاهی که در آن مهارت‌های کارآفرینی در آموزش عالی به منظور تسهیل قابلیت‌های فارغ التحصیلان و جهت تبدیل شدن به ایجاد کنندگان کار، توسعه می‌یابد. این دانشگاه‌ها به دانشگاه نسل سوم معروف هستند که تکامل یافته دانشگاه‌های نسل اول و دوم می‌باشد".

دانشگاه نسل سوم یا کارآفرینانه، دانشگاهی است که از حالت ایزوله و با فاصله با جامعه و صنعت خارج شده و به سازمانی به طور کامل در ارتباط هوشمندانه و سازمان یافته با صنعت و جامعه به ویژه در جهت شناسایی و رفع نیازهای واقعی آن‌ها تبدیل شده است (قاسم نژاد و سیدی، ۱۳۸۸، ۵۸۷).

از لحاظ تاریخی واژه کارآفرینی ابتدا در زبان فرانسه ابداع شد (کرباسی وهمکاران، ۱۳۸۱، ۲۷) و از اصطلاح و کلمه فرانسوی *Entreprendre* به معنای "واسطه و دلال" و یا اصطلاح انگلیسی *To undertake* به معنای "متعهد شدن" اقتباس شده است (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳، ۴) که در سال ۱۸۴۸ توسط استوارت میل به کارآفرینی در زبان انگلیسی ترجمه شد. نگاهی گذرا به سیر تاریخی مفهوم و حوزه کارآفرینی نشان می‌دهد که کارآفرینی ابتدا فقط در حوزه موزیک مطرح بوده و کارآفرین در فرهنگ لغات آکسفورد (۱۹۸۷)، رئیس یا مدیر موسسه ملی موزیک تعریف شده است یعنی کسی که سرگرمی‌های موزیک را تدارک می‌بیند (اسپییر، ۲۰۰۶، ۴۰۵). در فارسی هم این اصطلاح ابتدا کار فرمایی^۱ و سپس کارآفرینی (در ایران به معنای کسی که زیر بار تعهد می‌رود) ترجمه شده که هر دو ترجمه

^۱. Employment

مناسبی از این واژه نیستند. به نظر می‌رسد بهتر بود که این واژه به "ارزش آفرین" ترجمه می‌شد (احمد پور داریانی، ۱۳۸۳).

سه دلیل مهم توجه به موضوع کارآفرینی عبارتند از تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد. در موارد زیادی این مفهوم را به اشتباه صرفاً معادل اشتغال زایی تعریف کرده‌اند. از اواخر دهه هفتاد در بسیاری از کشورهای پیشرفته به علت تغییر در ارزشها و گرایشهای جامعه و تغییرات جمعیت شناختی، موجی از کسب و کارهای کوچک و افراد خود اشتغال به وجود آمدند به گونه‌ای که این موضوع باعث شده است تا مقوله کارآفرینی از جنبه‌های متعدد و بوسیله رشته‌های مختلف علمی نظیر اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و روانشناسی مورد مطالعه قرار گیرد (هیتون، ۲۰۰۵، ۲۵).

یک کارآفرین یک عامل اقتصادی است که با تخصیص منابع سر و کار دارد. در بسیاری از موارد، کارآفرین تحت شرایطی فعالیت می‌کند که اطلاعات درست و صحیح درباره بازارها یا فرایندهای تولید را در اختیار ندارد. ممکن است کارآفرین، فناوری را وارد کند و آن را برای وضعیت محلی مورد استفاده قرار دهد یا این که روشهای جدیدی را برای استفاده از دروندا‌دهای محلی ابداع نماید. در هر حال، خلاقیت و دوراندیشی نقش اساسی را ایفا می‌کند (جمشیدیان و یزدان شناس، ۱۳۸۶، ۱۰). در تعریفی دیگر کارآفرینی فرآیندی است که بتوان با استفاده از خلاقیت، عنصر جدیدی را همراه با ارزش جدید با استفاده از زمان، منابع، ریسک و بکارگیری دیگر عوامل، بوجود آورد (تامسون و گوف، ۲۰۰۰). پیتراکر (۱۹۸۵) کارآفرینی را به مفهوم جستجوی دائمی برای تغییر، واکنشی در برابر آن و بهره برداری از آن به عنوان یک فرصت بیان می‌کند (هزار جریبی، ۱۳۸۴، ۹). تفاوتها در تعاریف کارآفرینی از سویی نشان دهنده گستردگی و اهمیت موضوع است که می‌تواند از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گیرد و از سوی دیگر نشان دهنده پویایی موضوع است که در زمینه ارایه مدلها، تئوریها و نظرات متفاوتی را فراهم می‌آورد (شاکر^۱، ۲۰۰۵، ۱۲۹).

^۱. Shaker

فرد کارآفرین، اهرم اصلی فرآیند کارآفرینی به حساب می‌آید. لذا بطور ساده، کارآفرین به شخص حقیقی یا حقوقی گفته می‌شود که توانایی تحمل ریسک را دارد و می‌تواند یک ایده اولیه را به یک فعالیت اقتصادی تبدیل کند، فردی که مسئولیت اولیه وی جمع‌آوری منابع لازم برای شروع کسب و کار است و تمرکز او بر نوآوری و توسعه فرایند، محصول یا خدمات جدید می‌باشد (قاسم نژاد و سیدی، ۱۳۸۸، ۵۷۹). کارلند و همکاران (۱۹۸۴) معتقدند که کارآفرین فردی است که جهت دستیابی به سود و رشد، شغلی را به وجود آورده و مدیریت می‌کند. رفتار خلاقانه و بکارگیری شیوه‌های استراتژیک مدیریتی در کار، از خصایص فرد کارآفرین است. اسکندری (۱۳۸۵) به نقل از شومپتر (۱۹۳۴) کارآفرین را نیروی محرکه اصلی در تولید اقتصادی می‌داند و معتقد است که نقش کارآفرین عبارت است از نوآوری یا "ایجاد ترکیب‌های تازه از مواد". او کارآفرینی را فرآیند "تخریب خلاق" می‌داند. منظور از "تخریب خلاق" این است که فرد از طریق به کارگیری خلاقیت و نوآوری خود و پیدایش روش جدید، بازار جدید، واحد جدید، و یا تولید و محصول جدید ساختارهای کنونی بازار را درهم می‌ریزد و یک ساختار سودآور و پردرآمد به سود خود ایجاد می‌کند.

در این میان با توجه به اهمیت موضوع، اقتصاددانان، جامعه‌شناسان و روانشناسان و غیره هریک به بررسی بخشی از اهمیت ویژگی فردی کارآفرینان پرداخته‌اند. اقتصاددانان بیشتر به ارائه تعاریف کارکردی و ابعاد رشد اقتصادی و سودآوری توجه دارند، اما روانشناسان سعی می‌کنند تا خصوصیت فردی و روانشناختی کارآفرینی را مورد مطالعه قرار دهند، جامعه‌شناسان نیز با اعتقاد به اینکه انگیزه درونی کارآفرین، نیروی محرکه اوست که در کودکی با تاثیرپذیری از محیط پیرامون فرد تقویت می‌گردد، ابعاد و تبعات اجتماعی کارآفرینی را بررسی می‌نمایند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۴، ۳).

منابع علمی اشاره می‌کنند که کارآفرینان دارای رفتار پیچیده‌ای هستند، در حالی که هیچ نظریه‌ای هنوز نتوانسته است بطور کامل رفتار آن‌ها را تشریح کند. شاید اولین و مهم‌ترین نظریه مربوط به زمینه‌های روانی کارآفرینان توسط دیوید مک‌کلند در دهه ۱۹۶۰ مطرح گردید. مک

کلند بیان می دارد کارآفرینان افرادی هستند که نیاز فراوانی به موفقیت دارند و مخاطرات بالایی را می پذیرند (صباغیان و دیگران، ۱۳۸۴، ۱۶۶؛ قاسم نژاد و سیدی، ۱۳۸۸، ۵۷۹).

مک کلند (۱۹۶۲) ویژگی‌های افراد کارآفرین را شامل انگیزه پیشرفت، ریسک پذیری، کنترل درونی، خلاقیت و استقلال طلبی می‌داند (بدری و همکاران، ۱۳۸۵، ۷۶؛ علی بیگی و زرافشانی، ۱۳۸۶، ۴؛ غفاری، ۱۳۸۷، ۳۹۵). بر اساس تحقیقات انجام شده، پرورش ویژگی‌های ذکر شده در افراد، باعث تقویت قابلیت‌های کارآفرینی آنان می‌شود. وی نشان داد که بین داشتن جامعه‌ای متشکل از افراد توفیق طلب و توسعه اقتصادی، رابطه وجود دارد. تلاش‌های علمی مک کلند باعث شد که شایستگی‌های شخصی فرد کارآفرین به عنوان یک ویژگی دائمی وارد حوزه تحقیقاتی کارآفرینی شود (زالی و همکاران، ۱۳۸۶، ۸۵). هوارد (۲۰۰۴) در پژوهشی تاثیر توسعه قابلیت‌های کارآفرینی (استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت، کنترل درونی و اعتماد به نفس و خلاقیت) را بر کارآفرینی ۴۵۰ نفر از دانش آموزان مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه رسید که رابطه مستقیمی بین این قابلیت‌ها و توانایی کارآفرینی افراد وجود دارد (غفاری، ۱۳۸۷، ۳۹۷). همچنین تیمونز، با تجزیه و تحلیل بیش از ۵۰ مطالعه ویژگی‌های ششگانه‌ای برای کارآفرینان شناسایی کرد: (۱) تعهد، (۲) رهبری، (۳) فرصت‌گرایی، (۴) تحمل ریسک و ابهام، (۵) خلاقیت، خوداتکایی و توانایی انطباق‌پذیری، و (۶) انگیزه بالا (بیر و سوتون، ۱۹۹۷). احمد^۱ (۱۹۸۵) در پژوهشی نشان داد که افراد کارآفرین دارای کنترل درونی، تمایل به ریسک‌پذیری و انگیزه پیشرفت هستند (هیسریچ و مایکل، ۱۳۸۳). یکی از بارزترین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان برخوردار از انگیزه پیشرفت بالا یا نیاز به توفیق است. در این مورد اکثر تحقیقات از جمله هزارجریبی (۱۳۸۴)، مک کلند (۱۹۶۵)، جفری و همکاران (۱۹۸۹) سکستون و همکاران (۱۹۸۲) آن را تایید می‌نمایند (علی بیگی و همکاران، ۱۳۸۷؛ صباغیان و همکاران، ۱۳۸۴؛ نیازی و کارکنان نصرآبادی، ۱۳۸۶؛ هزارجریبی، ۱۳۸۴؛ لامپکین و اردوگان^۲، ۱۹۹۹؛ مک کلند^۳، ۱۹۹۵). شاپرو^۱ (۱۹۷۵) رویداد کارآفرینی را در برگیرنده

^۱. Ahmad, S. U.

^۲. Lumpkin and Erdogan

^۳. McClelland

مواردی همچون ابتکار، سازمان، مدیریت اجرایی، استقلال نسبی و مخاطره پذیری می‌داند. گارتنر^۲ (۱۹۸۵) در بحث ویژگی‌های فردی کارآفرینان به عواملی چون نیاز به توفیق (توفیق طلبی)، کنترل درونی و تمایل به مخاطره پذیری اشاره می‌نماید (دوهایم وهیت، ۲۰۰۰). البته همان طور که جدول (۱) نشان می‌دهد، نیاز توفیق طلبی به عنوان یکی از ویژگی‌های کارآفرینان تقریباً مورد اجماع نظر پژوهشگران است. همچنین کانون کنترل درونی، استقلال طلبی، ریسک پذیری و خلاقیت از جمله مشخصات رفتاری کارآفرینان است که نزد پژوهشگران بیشتر مورد پذیرش واقع شده اند.

جدول (۱): مشخصه‌های رفتار کارآفرینان (غفاری، ۱۳۸۷، ۳۹۷).

ردیف	ویژگی	نام محقق و سال تحقیق
۱	استقلال طلبی	دیویدز (۱۹۶۳)، لیتزینگر (۱۹۶۵)، هورنادی و آبود (۱۹۷۱)، دانکل برگ و کوپر (۱۹۸۲)، جاکوبوویتز و وایلدنر (۱۹۸۲) و بورچ (۱۹۸۶)، فرای (۱۹۹۳)، جنینگز، کوپر و کاکس (۱۹۹۶)
۲	ریسک‌پذیری	جان استوارت میل (۱۸۴۸)، مک کلند (۱۹۶۱)، لیتزینگر (۱۹۶۵)، کالینز و مور (۱۹۷۰)، بروکهاوس (۱۹۷۴)، لایلز (۱۹۷۴)، مانکوزو (۱۹۷۵)، هال، بوسلی و یودل (۱۹۸۰)، لایلز (۱۹۸۰)، بروکهاوس (۱۹۸۰)، ولش و وایت (۱۹۸۱)، دراگر (۱۹۸۵)، بورچ (۱۹۸۶) و شولتز (۱۹۹۰)
۳	کنترل درونی (مرکز کنترل)	روتر (۱۹۵۷)، اتکینسون (۱۹۶۴)، هورنادی و آبود (۱۹۷۱)، بروکهاوس و راپکی، (۱۹۷۳)، برلند (۱۹۷۴)، برلند، پاند ساوتی واری (۱۹۷۶)، اندرسون (۱۹۷۷)، تیمونز (۱۹۷۸)، اسکان لن (۱۹۷۹)، کرولیک (۱۹۷۹)، ولش و وایت (۱۹۸۱)، ولش و یانگ (۱۹۸۲)
۴	انگیزه پیشرفت (نیاز به توفیق یا توفیق طلبی)	مک کلند (۱۹۶۱)، مک کلند (۱۹۶۳)، اتکینسون (۱۹۶۸)، واینر و رایین (۱۹۶۹)، مک کلند و وینتر (۱۹۶۹)، هوناردی و آبود (۱۹۷۱)، کومیوز (۱۹۷۲)، لایلز (۱۹۷۴)، تیمونز (۱۹۷۵)، میرون و مک کلند (۱۹۷۹)، جنینگز، کوپر و کاکس (۱۹۹۶)
۵	خلاقیت	شومپتر (۱۹۳۴)، تیمونز (۱۹۷۸)، دراگر (۱۹۸۵)، فرای (۱۹۹۳)

محققین فهرست‌های متعددی از انواع ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینان ارائه نموده اند که مهمترین آن‌ها عبارتند از: نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، ریسک‌پذیری، گرایش به خلاقیت، برخورداری از مرکز کنترل درونی.

¹. Shapero

². Willian Gartner

انگیزه پیشرفت، نیاز به توفیق یا توفیق طلبی

نیاز به موفقیت عبارت است از تمایل به انجام کار در استانداردهای عالی جهت موفقیت در موقعیت‌های رقابتی (احمد پور، ۱۳۸۱، ۸۱)، یا نیاز فرد به مقبولیت یافتن (هیسریچ و پیترز، ۱۳۸۳). مک کله لند در تحقیقات خود نتیجه‌گیری می‌نماید که نیاز به توفیق، انگیزه اصلی توسعه اقتصادی در کشورها بوده (احمد پور، ۱۳۷۷) و نیاز شدید به توفیق افراد را به سوی درگیر شدن با رفتارهای کارآفرینانه سوق می‌دهد (هیسریچ و پیترز، ۱۳۸۳، ۹۱). افراد با نیاز به توفیق، بالا مایل هستند همواره در چالش باشند و در راه رسیدن به اهداف قابل دسترس و همچنین نسبت به عملکرد خود، به بازخورد مکرر و منظم زمانی نیاز دارند. این افراد ترجیح می‌دهند تا شخصاً مسئولیت حل مشکلات، تعیین اهداف و دستیابی به آن‌ها را از طریق تلاش شخصی خود به عهده گیرند (احمدپور و عزیزی، ۱۳۸۳، ۴۸). جانسون^۱ (۱۹۹۰) و فیلیس^۲ (۱۹۹۵) در تحقیقات خودشان بین نیاز به پیشرفت و کارآفرینی همبستگی معنی داری را نشان دادند (مک کلند، ۱۹۶۲). شاور و اسکات^۳ (۱۹۹۱) نیاز به پیشرفت را به عنوان یک پیش بینی کننده قوی برای کارآفرینی برشمردند (پروکوپنکو و پاولین^۴، ۱۹۹۱).

استقلال طلبی یا نیاز به استقلال

نیاز به استقلال یکی از قوی ترین نیازهای کارآفرین است (هیسریچ و پیترز، ۱۳۸۳) مک کران و فلائیگان (۱۹۹۶، نقل از احمد پور، ۱۳۸۱) آن را با عباراتی نظیر کنترل داشتن بر سرنوشت خود، کاری را برای خود انجام دادن و آقای خود بودن تعریف می‌نمایند. نیاز به استقلال همان چیزی است که روانشناسان آن را سلطه‌جویی درونی می‌نامند. سلطه‌جویی درونی آن است که فرد احساس کند شخصاً بر سرنوشت خویش احاطه دارد (همان منبع). نیاز به

^۱. Johnson

^۲. Phillis E. G.

^۳. K.G. Shaver & L.R Scoot

^۴. Prokopenko and Pavlin

استقلال عاملی است که سبب می‌شود، کارآفرینان به اهداف و رویاهای خود دست یابند. احساس خشم آن‌ها از نظام خشک دیوان‌سالاری همراه با تعهد خالصانه در قبال ایجاد تغییر، به شخصیت استقلال طلب آن‌ها که می‌خواهند همه چیز را به شیوه خود انجام دهند، اضافه می‌شود (صباغیان و همکاران، ۱۶۸، ۱۳۸۴). عموماً کارآفرینان افرادی هستند که می‌خواهند کار را به روش خودشان انجام دهند و کار کردن برای دیگران برایشان دشوار است (هیسریچ و پیترز، ۱۳۸۳). میل به استقلال، نیروی انگیزشی برای کارآفرینان معاصر است لذا آزادی عمل، پاداش دیگر کارآفرینی است (احمدپور، ۱۳۸۴). در پژوهشی که در سال ۱۹۹۱ بر روی صاحبان شرکتهای کوچک انجام شد، نیاز به استقلال به عنوان یک عامل انگیزشی آشکار گردید. ۳۳ درصد از آزمودنیهای این تحقیق بیان کردند که دلیل اصلی ترک شغل آن‌ها این بوده که می‌خواستند به طور مستقل کار کنند (لانگ نچ، مور و پتی^۱، ۱۹۹۷).

ریسک‌پذیری و تمایل به مخاطره‌پذیری

ریسک‌پذیری خواه مالی باشد خواه اجتماعی یا روانی، بخشی از فرایند کارآفرینی است (هیسریچ و پیترز، ۱۳۸۳). تمایل به مخاطره‌پذیری عبارت است از پذیرش مخاطره‌های معتدل که می‌توانند از طریق تلاشهای شخصی مهار شوند. کارآفرینان لزوماً در پی فعالیت‌هایی نیستند که مخاطره آن زیاد باشد، بلکه مایل‌اند مقدار متوسطی از مخاطره را که برای شروع فعالیت اقتصادی معمولی تلقی می‌شود، بپذیرند و در این حد حاضر می‌شوند تا پول، امنیت، شهرت و موقعیت خود را به مخاطره اندازد (لانگ نکر، مور و پتی، ۱۹۹۷). این تصور هرگز درست نیست که کارآفرینان قمار می‌کنند، بلکه در اقدام به مخاطره، حساب شده و با دقت عمل می‌کنند و تمام تلاش خود را بکار می‌بندد تا احتمالات را به نفع خود تغییر دهند (صباغیان و همکاران، ۱۶۷، ۱۳۸۴).

¹. Longenecher, Moore & Petty

هنگام در نظر گرفتن هر گونه مخاطره، دو عنصر در ایجاد این مفهوم نقش دارند، یکی سطح درک فرد کارآفرین از مخاطره در آغاز هر فعالیت پر مخاطره و دیگری امکان احتمالی مشهود شکست در صورت ناموفق بودن آن فعالیت (بروکهاوس، ۱۹۸۰، نقل از احمد پور، ۱۳۸۳، ۸۴). مخاطره پذیری، عامل متمایز کننده مدیر و کارآفرین از یکدیگر است (میل، ۱۹۴۸، احمد پور، ۱۳۸۳، ۷). برخی از مطالعات مشخص کرده اند که کارآفرینان تمایل به خطرپذیری بالاتری دارند. در حالی که برخی دیگر از پژوهشها رکن اساسی را نه خطر کردن بلکه خلاقیت می دانند (هاول و اولین، ۲۰۰۲). هاول و اولین^۱ (۲۰۰۲) به این نتیجه رسیدند که کارآفرینان بالقوه مخاطره پذیری بیشتری دارند (هایتون^۲، ۲۰۰۵).

گرایش به خلاقیت

خلاقیت همانا توانایی خلق ایده‌های جدید است که این ایده‌ها ممکن است به محصولات یا خدمات جدید نیز منجر شوند. خلاقیت ارتباط بین تصور و اندیشیدن ایده‌های نو و ارائه محصول، فرآیند و خدمات نوآورانه می‌باشد. هم نوآوری و هم خلاقیت از اجزای لاینفک کارآفرینی می‌باشند (فری، ۱۹۹۳، ۹۳). به بیان دیگر خلاقیت عبارت است از توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیر معمول بین ایده‌های مختلف (مقیمی، ۱۳۸۰، ۱۲۹). به عقیده برخی مکاتب فکری خلاقیت قابل آموزش و یادگیری است (کوراتکو وهاجتس، ۱۹۸۲، نقل از احمدپور، ۱۳۸۱). دو رویکرد مهم در زمینه توضیح و تبیین خلاقیت عبارتند از رویکرد گلیفورد و رویکرد استرانگ. رویکرد گلیفورد خلاقیت را معادل تولید واگرا می داند ولی استرانگ خلاقیت را محصول هوش، دانش، انگیزش، محیط تشویق کننده، سبک تفکر مناسب و شخصیت به حساب می آورد (ماتلین وجنسیو، ۲۰۰۵، نقل از عابدی، ۱۳۸۴). خلاقیت نیرویی است که در پس نوآوری نهفته است و نوآوری فرایند به کارگیری یک ایده خلاق و تبدیل آن به یک محصول، خدمت یا شیوه مفید انجام کار می باشد (مقیمی،

¹. Howell & Avolion

². Hayton

۱۳۸۰). در معادله کار آفرینی فرای (۱۹۹۳، نقل از همان منبع) خلاقیت به عنوان عامل پیشینه در نظر گرفته شده است. هم نوآوری و هم خلاقیت از اجزاء لاینفک کار آفرینی اند. به عقیده پیتر دراگر، صاحب‌نظر معروف در زمینه مدیریت، وجود نوآوری در کارآفرینی به قدری ضروری است که می‌توان ادعا نمود کارآفرینی بدون آن وجود ندارد و خلاقیت نیز بدون نوآوری نتیجه‌ای را حاصل نمی‌نماید (احمد پور وعزیزی، ۱۳۸۳، ۵۰). شاور، ویلیام و اسکات^۱ (۱۹۹۰) در مطالعه‌ای به این نتیجه رسیدند کسانی که فکر می‌کردند ویژگی‌های یک فرد کارآفرین را دارند خلاقیت و نوآوری بیشتری نشان دادند (شاکر، ۲۰۰۵).

کنترل درونی یا مرکز کنترل:

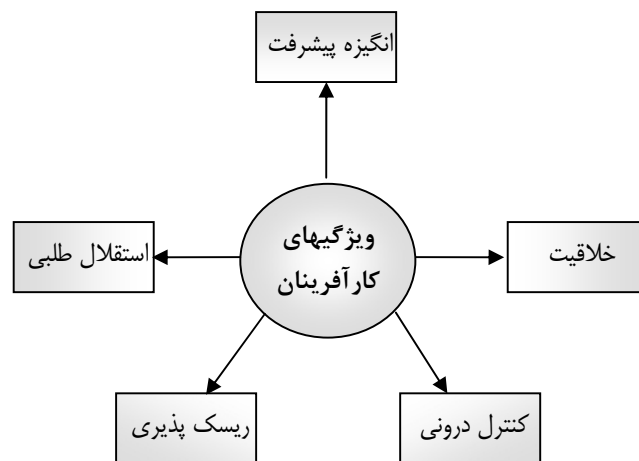
مرکز کنترل، باور فرد درباره منبع کنترل تقویت‌هایی است که دریافت می‌کند. مکان کنترل درونی نشان دهنده این باور است که تقویت‌های او حاصل رفتار و نگرشهای خود اوست، در حالی که مکان کنترل بیرونی مشخص کننده این باور است که تقویتها در دست مردمان دیگر، سرنوشت و شانس است و شخص در برابر این نیروهای بیرونی ناتوان و بیچاره است (شولتز، ۱۳۸۳، ۵۵۲). راتر (نقل از عابدی، ۱۳۸۴) معتقد است که نیاز به پیشرفت با اعتقاد به منبع کنترل درونی رابطه دارد. مطالعات بورلند (نقل از همان منبع) نیز حاکی از آن است که تفاوت معنی داری در منبع کنترل درونی بین دانشجویانی که شروع به احداث یک شرکت کرده اند نسبت به کسانی که این کار را انجام نداده اند وجود دارد. کارآفرینان موفق در قبال موفقیت‌هایشان مسئولیت شخصی احساس می‌کنند. آنان موفقیت یا شکست را به سرنوشت، اقبال و یا نیروهای مشابه نسبت نمی‌دهند. به عقیده آنها شکست‌ها و پیشرفت‌ها تحت کنترل و نفوذ آنها بوده و خود را در نتایج عملکردهایشان موثر می‌دانند (هورنادی و آبود، ۱۹۷۱، نقل از احمد پور، ۱۳۸۴). ایستادگی در راه هدف عامل تعیین کننده برای رسیدن به آمل و ایده‌ها است. آنتونسی و پرودان^۲ (۲۰۰۸) در پژوهشی بر روی واحدهای تجاری کوچک در آلمان دریافتند که عزم و تلاش برای نوآوری و فعالیت کارآفرینی اثر مثبت دارد و این به نوبه خود

¹. Shaver, Williams & Scott

². Antoncic & Prodan

عملکرد اقتصادی و تجاری این مدیران را افزایش می دهد (آنتونسی و پرودان^۱، ۲۰۰۸). احمد^۲ (۱۹۸۵) در پژوهشی نشان داد که افراد کارآفرین دارای کنترل درونی، تمایل به ریسک پذیری و انگیزه پیشرفت هستند (احمد، ۱۹۸۵). آرشید در مطالعه‌ای دیگر نتیجه گرفته است که کارآفرینان موفق دارای منبع کنترل درونی هستند؛ یعنی موفقیت خود را به عواملی چون تلاش، کوشش و توانایی‌های فردی خود نسبت می دهند (آرشید، ۱۳۶۷).

با بررسی پیشینه تحقیق می توان دریافت که تمایل به ریسک پذیری، کانون کنترل درونی، نیاز توفیق طلبی، استقلال طلبی و خلاقیت در اکثر تحقیقات مطرح بوده است. از این رو، در این پژوهش نیز برای ارزیابی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان همین عناصر پنجگانه به کار گرفته شده است. شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق را نشان می دهد.



شکل (۱) مدل مفهومی تحقیق

پژوهش حاضر نیز با هدف ارزیابی میزان برخورداری دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز از ویژگیهای کارآفرینی تدوین گردیده است و نیز بین متغیرهای مختلفی چون

^۱. Antoncic and Prodan
^۲. Ahmed

گروه تحصیلی، جنسیت، وضعیت تأهل و مقطع تحصیلی هم این ویژگیها را مورد بررسی قرار داده تا مشخص نماید که تفاوتی معناداری وجود دارد یا خیر؟

دو سوالی که محقق در تحقیق حاضر تلاش در پاسخ دادن به آن است عبارتند از:

۱- تا چه میزان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز از ویژگیهای کارآفرینانه (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطرپذیری، گرایش به خلاقیت و مرکز کنترل) برخوردارند؟

۲- آیا بین هر یک از ابعاد پنجگانه کارآفرینی (نیاز به موفقیت، علاقه به استقلال، خطرپذیری، گرایش به خلاقیت و مرکز کنترل) بر حسب متغیرهای تعدیل کننده (گروه تحصیلی، جنسیت، وضعیت تأهل و مقطع تحصیلی)، تفاوت معنادار وجود دارد؟

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی است. در این پژوهش که به منظور بررسی و تبیین ویژگیهای کارآفرینانه و شناسایی عوامل زمینه‌ای مرتبط با آن در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ انجام گردید متغیرهای مربوط به ویژگیهای کارآفرینانه شامل نیاز به موفقیت، استقلال، ریسک‌پذیری، خلاقیت و مرکز کنترل و نیز متغیرهای زمینه‌ای شامل ۱- گروه تحصیلی، ۲- جنسیت، ۳- وضعیت تأهل و ۴- مقطع تحصیلی، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. جامعه آماری شامل ۲۷۳۴۱ دانشجوی مشغول به تحصیل می‌باشد. در این تحقیق از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای استفاده شد. به منظور برآورد واریانس جامعه و تعیین حجم نمونه، ابتدا یک گروه ۳۰ نفری بصورت تصادفی از میان دانشجویان انتخاب شدند و واریانس جامعه از طریق توزیع پرسشنامه در بین آنها محاسبه گردید. بر اساس واریانس و فرمول حجم نمونه، حجم نمونه ۵۱۰ نفر برآورد گردید که عبارت است از:

$$n = \frac{N Z_a^2 S_x^2}{e^2 (N-1) + Z_a^2 S_x^2}$$

با توجه به اینکه تعداد اعضای جامعه آماری ۲۷۳۴۱ نفر، $\epsilon = 0.1$ و $\alpha = 0.05$ در نظر گرفته شده است، بنابراین خواهیم داشت:

$$n = \frac{27341 \times (1/96)^2 \times 1/355}{(0.1)^2 \times (27341-1) + (1/96)^2 \times 1/355} = 510$$

همانطور که در جدول (۲) قابل مشاهده می‌باشد مشخصات پاسخگویان با توجه به متغیرهای مورد بررسی نشان داده شده است.

جدول (۲) توزیع فراوانی و درصد نمونه آماری مورد مطالعه

درصد	فراوانی	متغیر	
۴۱	۲۰۹	فنی، مهندسی و پایه	۱- گروه تحصیلی
۵۹	۳۰۱	علوم انسانی	
۴۳	۲۱۹	پسر	۲- جنسیت
۵۷	۲۹۱	دختر	
۷۹/۵	۴۰۵	مجرد	۳- وضعیت تأهل
۲۰/۵	۱۰۵	متاهل	
۷۴	۳۸۷	کاردانی و کارشناسی	۴- مقطع تحصیلی
۲۶	۱۳۲	کارشناسی ارشد و دکتری	
۱۰۰	۵۱۰	جمع	

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات بخش میدانی تحقیق، پرسشنامه بود. برای سنجش، مقیاس سنجش میزان انگیزه پیشرفت، کنترل درونی، خلاقیت، ریسک پذیری و استقلال طلبی از پرسشنامه ۵۵ گویه‌ای بدری و همکاران (۱۳۸۵) استفاده شد. این پرسشنامه هم از تعدیل و

مناسب سازی مقیاس‌های خلاقیت تورنس، انگیزه پیشرفت هرمنس، کنترل درونی راتر و استقلال طلبی و ریسک پذیری هیسریچ و پیترز که روی هم رفته شامل ۱۳۰ سؤال می باشد، حاصل شده است (بدری و همکاران، ۱۳۸۵). برای اندازه‌گیری خودکارآمدی دانشجویان نیز از مقیاس بندورا (۱۹۷۷) استفاده شد. این مقیاس به زبان فارسی ترجمه و به منظور برآورد پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد. میزان ضریب برابر ۰/۸۳ بدست آمد که مقدار قابل قبولی می باشد. میزان آلفای کرونباخ برای پرسشنامه ۵۵ سوالی بدری و همکاران (۱۳۸۵) نیز که با تکمیل ۳۰ پرسشنامه توسط دانشجویانی مشابه جامعه آماری تحقیق و محاسبه ضریب مذکور بدست آمد برابر ۰/۸۵ شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی و استنباطی و نرم افزار SPSS استفاده شده است. مشخصه‌های آماری همچون فراوانی، درصد، میانگین، واریانس و انحراف معیار در سطح آمار توصیفی به توصیف داده‌های پژوهش پرداخته اند. آزمون t نیز در سطح آمار استنباطی مورد استفاده قرار گرفت..

نتایج

قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان با استفاده از پنج متغیر استقلال‌طلبی، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان مورد محاسبه و سنجش قرار گرفت. نمره معیار از طریق محاسبه نمره متوسط هر متغیر در پرسشنامه مربوط به دست آمده است. جدول (۳) میانگین، انحراف معیار و نمره معیار دانشجویان در متغیرهای مورد بررسی را نشان می‌دهد. جدول (۳) میانگین، انحراف معیار، نمره معیار و نتایج آزمون t مربوط به قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	حجم نمونه	نمره معیار	آزمون t	درجه آزادی (df)	sig
۱- استقلال‌طلبی	۴/۱۱	۱/۰۱	۵۱۰	۳/۵۰	۴/۲۳	۵۰۹	۰/۰۰۰
۲- ریسک‌پذیری	۳/۵۵	۱/۸۶	۵۱۰	۴/۰۰	۱/۸۵	۵۰۹	۰/۰۰۸
۳- کنترل درونی	۶/۳۱	۲/۶۶	۵۱۰	۷/۰۰	۳/۲۶	۵۰۹	۰/۰۰۵
۴- انگیزه پیشرفت	۲۰/۳۰	۴/۰۲	۵۱۰	۱۵/۵۰	۸/۸۸	۵۰۹	۰/۰۰۰
۵- خلاقیت	۲۵/۰۰	۵/۲۱	۵۱۰	۲۱/۰۰	۱۲/۵۲	۵۰۹	۰/۰۰۰

جدول (۳) حاکی از آن است که متغیرهای پنجگانه مورد بررسی به عنوان معیارهای تعیین قابلیت کارآفرینی دانشجویان از طریق مقایسه میانگین با نمره معیار، انحراف معیار، آزمون t (به دلیل اینکه هر کدام از متغیرها به دو گروه مستقل تقسیم شده‌اند از این آزمون استفاده شده است) و سطح معناداری تجزیه و تحلیل شده‌اند (با خطای ۵ درصد).

جدول مزبور نشان می‌دهد که میانگین نمره استقلال‌طلبی دانشجویان ۴/۱۱ است که از میزان متوسط نمره معیار ۳/۵۰ بالاتر است و این مقدار در سطح $P=۰/۰۰۰$ و $t=۴/۲۳$ معنادار است. بنابراین، روحیه استقلال‌طلبی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز از حد میانگین بالاتر است. میانگین نمره ریسک‌پذیری دانشجویان ۳/۵۵ است که از میزان متوسط نمره معیار ۴/۰۰ پایین‌تر است که این مقدار در سطح $P=۰/۰۰۸$ و $t=۱/۸۵$ معنادار است. بنابراین، میزان ریسک‌پذیری دانشجویان در این دانشگاه از حد میانگین پایین‌تر است. میانگین نمره کنترل درونی دانشجویان ۶/۳۱ است که از میزان متوسط نمره معیار ۷ پایین‌تر است و این مقدار در سطح $P=۰/۰۰۵$ و $t=۳/۲۶$ معنادار است. بنابراین، میزان کنترل درونی دانشجویان در این دانشگاه از حد میانگین پایین‌تر است. همچنین، میانگین نمره انگیزه پیشرفت دانشجویان ۲۰/۳۰ است که از میزان متوسط نمره معیار ۱۵/۵۰ بالاتر است که این مقدار در سطح $P=۰/۰۰۰$ و $t=۲۰/۸۸$ معنادار است، بنابراین، دانشجویان این دانشگاه دارای انگیزه پیشرفت بالاتری هستند. نهایتاً میانگین نمره خلاقیت دانشجویان ۲۵/۰۰ است که از میزان متوسط نمره معیار ۲۱/۰۰ بالاتر است و این مقدار در سطح $P=۰/۰۰۰$ و $t=۱۲/۵۲$ معنادار است. لذا، میزان خلاقیت دانشجویان دانشگاه بالاتر از حد میانگین است. با توجه به نتایج، پاسخ سوال اول در زمینه‌های استقلال‌طلبی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز بالاتر از میانگین ولی در ویژگی ریسک‌پذیری و کنترل درونی پایین‌تر از حد میانگین می‌باشد.

جواب سوال دوم: جدول (۴) میانگین و انحراف معیار نمرات قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان را با توجه به چهار متغیر ۱- گروه تحصیلی، ۲- جنسیت، ۳- وضعیت تأهل و ۴- مقطع تحصیلی نشان می‌دهد.

جدول (۴) میانگین و انحراف معیار دانشجویان

متغیر	ویژگی کارآفرینی	میانگین		انحراف معیار	
		زیر متغیر (۱)	زیر متغیر (۲)	زیر متغیر (۱)	زیر متغیر (۲)
گروه تحصیلی زیر متغیر (۱) فنی و مهندسی زیر متغیر (۲) علوم انسانی	استقلال طلبی	۴/۲۵	۴/۱	۱/۱۱	۰/۹۵
	ریسک پذیری	۳/۴۲	۳/۶۱	۱/۹۱	۱/۵۵
	کنترل درونی	۶/۷۱	۶/۱۱	۲/۷۷	۱/۹۹
	انگیزه پیشرفت	۱۹/۱۸	۲۰/۵۱	۴/۰۸	۳/۹۵
	خلاقیت	۲۴/۵۰	۲۵/۳۳	۵/۳	۵/۲
جنسیت زیر متغیر (۱) پسر زیر متغیر (۲) دختر	استقلال طلبی	۴/۰۱	۴/۵۵	۰/۸۹	۱/۲۰
	ریسک پذیری	۳/۶۷	۳/۲۱	۱/۷۱	۱/۸۹
	کنترل درونی	۶/۸۵	۶/۰۷	۲/۸۷	۲/۵۱
	انگیزه پیشرفت	۲۰	۲۱/۰۲	۳/۹۹	۴/۴۵
	خلاقیت	۲۶/۰۱	۲۴/۵	۵/۶۱	۵/۰۱
وضعیت تأهل زیر متغیر (۱) مجرد زیر متغیر (۲) متأهل	استقلال طلبی	۳/۸	۴/۲	۱	۱/۰۶
	ریسک پذیری	۴/۰۱	۳/۵	۱/۷۵	۱/۹۹
	کنترل درونی	۶/۵۶	۵/۹۲	۲/۵۹	۲/۷۶
	انگیزه پیشرفت	۲۰/۵۱	۱۹/۲۱	۴/۲۵	۳/۷۹
	خلاقیت	۲۵/۴	۲۴	۵/۰۵	۵/۲۵
مقطع تحصیلی زیر متغیر (۱) کاردانی و کارشناسی زیر متغیر (۲) ارشد و دکتری	استقلال طلبی	۴/۱۵	۴	۱/۱۲	۰/۹۱
	ریسک پذیری	۳/۶۵	۳/۵	۱/۸	۱/۹۵
	کنترل درونی	۶/۳	۶/۵	۲/۹۱	۲/۱
	انگیزه پیشرفت	۱۹/۱	۲۰/۲۲	۳/۷۸	۴/۲
	خلاقیت	۲۴/۹	۲۵/۶	۴/۹۹	۵/۳۲

متغیرهای پنجگانه استقلال طلبی، ریسک پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه دانشگاه آزاد تبریز مورد ملاحظه قرار گرفت تا تفاوت بین قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان با توجه به متغیرهای ۱- گروه تحصیلی، ۲- جنسیت، ۳- وضعیت تأهل و ۴- مقطع تحصیلی مشخص شود.

برای سنجش تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان گروه‌های تحصیلی (فنی و مهندسی و علوم انسانی)، پنج متغیر مذکور در جدول (۵) مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین تفاوت‌ها از آزمون t در سطح خطای ۵ درصد استفاده شد. در جدول (۵) خلاصه نتایج این آزمون درج شده است.

جدول (۵) خلاصه نتایج بررسی تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان گروه‌های تحصیلی (فنی و مهندسی و علوم انسانی)

متغیر	آزمون t	سطح معناداری
استقلال طلبی	۲/۵۶	۰/۲۲
ریسک‌پذیری	۲/۳۵	۰/۱۳
کنترل درونی	۳/۳۶	۰/۱۰۵
انگیزه پیشرفت	۲/۶۳	۰/۲۱۳
خلاقیت	۴/۵	۰/۱۵

همان طور که در جدول (۵) مشهود است، تفاوت بین میزان استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان گروه‌های تحصیلی (فنی و مهندسی و علوم انسانی) معنی دار نیست.

برای سنجش تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان پسر یا دختر، پنج متغیر مذکور در جدول (۶) مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین تفاوت‌ها از آزمون t در سطح خطای ۵ درصد استفاده شد.

جدول (۶) خلاصه نتایج بررسی تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان پسر و دختر

متغیر	آزمون t	سطح معناداری
استقلال طلبی	۳/۶۵	۰/۴۵
ریسک پذیری	۲/۱۲	۰/۰۲
کنترل درونی	۳/۰۸	۰/۰۰۵
انگیزه پیشرفت	۳/۸۶	۰/۶۳
خلاقیت	۳/۵۹	۰/۲۹

همان طور که در جدول (۶) قابل مشاهده است، تفاوت بین میزان استقلال طلبی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان پسر و دختر معنا دار نیست. ولی تفاوت بین ریسک پذیری و کنترل درونی معنا دار است. جدول (۶) بیانگر آن است که میزان ریسک‌پذیری و کنترل درونی دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است.

برای سنجش میزان تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مجرد و متأهل، پنج متغیر یعنی استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، کنترل درونی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در جدول (۷) مورد بررسی قرار گرفت.

جدول (۷) خلاصه نتایج بررسی تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مجرد و متأهل

متغیر	آزمون t	سطح معناداری
استقلال طلبی	۴/۵۶	۰/۳۵
ریسک‌پذیری	۱/۶۵	۰/۰۸
کنترل درونی	۱/۹۶	۰/۲۶
انگیزه پیشرفت	۳/۵۶	۰/۰۰۲
خلاقیت	۴/۷۵	۰/۰۶

همان طور که در جدول (۷) قابل مشاهده است، تفاوت بین میزان استقلال طلبی، ریسک‌پذیری، کنترل درونی و خلاقیت دانشجویان مجرد و متاهل معنا دار نیست. ولی تفاوت بین ویژگی انگیزه پیشرفت معنادار است. جدول (۷) بیانگر آن است که ویژگی انگیزه دانشجویان مجرد از متاهل بیشتر است.

نهایتاً برای سنجش تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی با مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری دانشگاه آزاد تبریز، پنج متغیر مذکور در جدول (۸) مورد بررسی قرار گرفت. برای تعیین تفاوت‌ها از آزمون t در سطح خطای ۵ درصد استفاده شد. در جدول (۸) خلاصه نتایج این آزمون درج شده است.

جدول (۸) خلاصه نتایج بررسی تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مقاطع تحصیلی

متغیر	آزمون t	سطح معناداری
استقلال طلبی	۵/۵۶	۰/۲۶
ریسک‌پذیری	۳/۹۷	۰/۱۵
کنترل درونی	۲/۱۵	۰/۳۶
انگیزه پیشرفت	۳/۴۳	۰/۰۳
خلاقیت	۳/۱۹	۰/۰۰۰

همان طور که در جدول (۸) قابل مشاهده است، تفاوت بین میزان استقلال طلبی، ریسک‌پذیری و کنترل درونی دانشجویان مقاطع تحصیلی کاردانی تا دکتری معنا دار نیست. ولی تفاوت بین ویژگی‌های انگیزه پیشرفت و خلاقیت معنادار است. جدول (۸) بیانگر آن است که ویژگی‌های انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری از دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی بیشتر است.

بحث و نتیجه گیری

امروزه که کار و فعالیت شکل تازه‌ای به خود گرفته و به سوی خودکارفرمایی و خوداشتغالی در حرکت است، نقش کلیدی کارآفرینی و کارآفرینان در جامعه بدلیل توسعه و پیشرفت اقتصادی جوامع، بیشتر به چشم می‌خورد. تجربه‌های کشورهایمانند ژاپن، کره جنوبی، مالزی و هند، آکنده از فعالیتهای چشمگیر کارآفرینانی بوده است که امروز به توسعه یافتگی کشور خود می‌بالند. باید توجه داشت، کارآفرینان تنها به ایجاد فرصتهای شغلی جدید نمی‌پردازند، بلکه با تفکر، تحرک و فرهنگ لازم، به تخریب خلاق دست می‌زنند تا از دل ویرانه‌های کهن، بنای رفیع آبادانی و پیشرفت را برافرازند. دانشگاهها نیز در فرآیند تکاملی خویش باید پس از عبور از "دانشگاه آموزش محور" و "دانشگاه پژوهش محور" به سمت "دانشگاه کارآفرین" گام بردارند و یکی از مولفه‌هایی که می‌تواند در تسریع این فرآیند موثر باشد، ایجاد و تقویت مراکز کارآفرینی در دانشگاههاست. لیکن به منظور جذب دانشجویان و پرورش قابلیت‌های کارآفرینی ایشان، باید اصلاحات و تدابیری در زمینه ایجاد منابع و مواد آموزشی متناسب در حوزه کارآفرینی (اعم از تالیف و ترجمه) و تربیت و پرورش اساتید و مدرسین خبره و متبحر و نیز برگزاری دوره‌های آموزشی که منجر به تقویت برخی مهارتهای کارآفرینی از جمله ریسک‌پذیری، انگیزه پیشرفت و... می‌شود، صورت پذیرد؛ از سوی دیگر گنجاندن چند واحد درسی در زمینه کارآفرینی در برنامه درسی کلیه رشته‌های دانشگاهی در این راستا توصیه می‌گردد.

بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز در پاسخ به سوال اول، از نظر ویژگیهای پنجگانه کارآفرینی یعنی استقلال طلبی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت بالاتر از حد میانگین می‌باشند و تفاوت بدست آمده بر اساس آزمون همبستگی، معنادار است. ولی دو ویژگی ریسک‌پذیری، کنترل درونی در بین دانشجویان از حد میانگین پایین‌تر می‌باشد که باید دانشگاه و مسئولین با برنامه ریزی‌های مختلف این خلاء را پر نمایند.

در جواب سوال دوم که در پی جستجو در وجود تفاوت بین متغیرهای ۱- گروه تحصیلی، ۲- جنسیت، ۳- وضعیت تأهل و ۴- مقطع تحصیلی بود، در متغیر اولی (گروه‌های تحصیلی - فنی و مهندسی و علوم انسانی) تفاوت معناداری بین گروه‌ها مشاهده نشد. نتایج تحلیل مربوط به مقایسه ویژگی‌های کارآفرینی متغیر دوم (دانشجویان پسر و دختر) حاکی از این است که تفاوت معناداری بین ویژگی‌های استقلال طلبی، انگیزه پیشرفت و خلاقیت در دانشجویان پسر و دختر دانشگاه آزاد تبریز وجود ندارد. ولی بین ویژگی‌های ریسک پذیری و کنترل درونی تفاوت معناداری دیده می‌شود و میزان ریسک پذیری و کنترل درونی دانشجویان پسر بیشتر از دانشجویان دختر است. دلایل احتمالی بالاتر بودن نمرات روحیه کارآفرینی و ریسک پذیری و استقلال طلبی پسران را می‌توان به مواردی نظیر شرایط محیطی و محیط اجتماعی نسبت داد. تحلیل مربوط به مقایسه ویژگی‌های کارآفرینی متغیر سوم (دانشجویان مجرد و متأهل) بیانگر این است که تفاوت معناداری بین ویژگی‌های استقلال طلبی، ریسک پذیری، کنترل درونی و خلاقیت در دانشجویان مجرد و متأهل دانشگاه آزاد تبریز وجود ندارد. ولی بین ویژگی‌های انگیزه پیشرفت تفاوت معناداری دیده می‌شود که میزان انگیزه پیشرفت دانشجویان مجرد بیشتر از دانشجویان متأهل است که شاید دلیل این انگیزه بالا نداشتن مسئولیت خانه و زندگی و تعهد نسبت به خانه و خانواده است که نیرو و انرژی مضاعفی را در مجردها نسبت به متأهل‌ها بوجود آورده است. نتایج بدست آمده از تحلیل متغیر چهارم (تفاوت بین ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان مقاطع کاردانی و کارشناسی با مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری) تفاوت معناداری بین ویژگی‌های استقلال طلبی، ریسک پذیری و کنترل درونی در دانشجویان مقاطع مختلف دانشگاه وجود ندارد. ولی بین ویژگی‌های انگیزه پیشرفت و خلاقیت تفاوت معناداری دیده می‌شود. که تحقیق بیانگر آن است که میزان انگیزه پیشرفت و خلاقیت دانشجویان مقاطع ارشد و دکتری بیشتر از دانشجویان کاردانی و کارشناسی است و دلیل این مسئله را در انگیزه تحصیل در مقاطع تکمیلی و علاقه ای که در این دوران برای کسب علم و موفقیت و پیشرفت و نیز بخرج دادن حس خلاقیت در دانشگاه ایجاد شده، می‌توان دید.

نهایتاً با وجود سطح خوب کارآفرینی فردی در میان دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، اما تا سطح مطلوب فاصله زیادی وجود دارد که ضروری است راهکارهای عملی برای حل این مشکل در دانشگاهها در جهت رسیدن به سطح مورد نظر اتخاذ شود. همچنین به اعتقاد پژوهشگر امکان ایجاد کارآفرینی در دانشگاهها وجود دارد، به شرطی که علاوه بر پرورش ویژگیهای کارآفرینی فردی در میان دانشجویان از سیستم تشویق مناسب برای فعالیت‌های کارآفرینانه استفاده شود، تا افراد انگیزه بالایی برای ارائه ایده‌ها و اجرای نوآوری‌ها داشته باشند و نیز آموزش‌های لازم به دانشجویان بالاخص دانشجویان مستعد کارآفرینی داده شود. برای نیل به این هدف تغییرات ذیل ضروری به نظر می‌رسد:

تغییر نگرش افراد در سطوح مختلف مدیریتی در دانشگاهها نسبت به تغییر و تحولات مثبت سازمانی.

اختصاص منابع مالی از درآمد دانشگاه برای ابداع و نوآوری به عنوان بخش مجزای بودجه پژوهشی.

تقویت روحیه جسارت و ریسک‌پذیری در بین دانشجویان و اساتید.

تشویق دانشجویان و اعضا هیات علمی به ارائه ایده‌های خلاق و نوآورانه (از طریق اعطا امتیاز ویژه مانند امتیازات پژوهشی یا آموزشی)

لحاظ نمودن ویژگی‌های کارآفرینی در فرم ارزشیابی سالانه اساتید و گروه‌های آموزشی.

تشکیل یک گروه ستادی کارآفرینی در دانشگاه آزاد اسلامی.

حمایت مدیران و معاونین دانشگاه از کارهای تیمی و مدیریت مشارکتی.

منابع فارسی

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۳)، کارآفرینی، چاپ اول، تهران، انتشارات پردیس.
 احمد پور داریانی، محمود (۱۳۸۴)، کارآفرینی، تعاریف، نظریات، الگوها، چاپ ششم، تهران، انتشارات پردیس.

احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۷۷)، طراحی و تبیین الگوی پرورش مدیران کار آفرین در صنعت، پایان نامه دکتری مدیریت، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

احمدپور داریانی، محمود و عزیزی، محمد (۱۳۸۳)، کارآفرینی، تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم، چاپ دوم.

آرشید، جواد (۱۳۶۷)، بررسی رابطه بین موفقیت شغلی معلمان و مرکز کنترل، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه تهران.

اسکندری، ف (۱۳۸۵)، طراحی الگویی برای توسعه کارآفرینی در نظام آموزش عالی کشاورزی ایران، رساله دکتری در رشته آموزش کشاورزی، دانشگاه تهران.

بدری، احسان، لیاقتدار، محمدجواد، عابدی، محمدرضا و جعفری، ابراهیم (۱۳۸۵)، بررسی قابلیت های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۰.

برومند نسب، م. (۱۳۸۱)، بررسی رابطه ساده و چندگانه وضعیت اجتماعی - اقتصادی، انگیزه پیشرفت، مخاطره پذیری، جایگاه مهار، خلاقیت و عزت نفس با کارآفرینی در دانشجویان شهید چمران اهواز؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز. جمشیدیان، مهدی و یزدان شناس، مهدی (۱۳۸۶)، تاثیرات فساد اداری بر کارآفرینی، پنجمین کنفرانس بین المللی مدیریت، آذر ماه.

زالی، محمدرضا، مدهوشی، مهرداد و کردنائیج، اسدالله (۱۳۸۶)، ارزیابی مشخصه های کارآفرینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه مازندران)، فصلنامه مدرس علوم انسانی، ویژه نامه مدیریت، پاییز.

عابدی، محمد رضا (۱۳۸۴)، گزارش نهایی طرح ساخت، هنجاریابی و بررسی روایی و پایایی آزمون استعداد شناختی کار آفرینی در دانشگاه اصفهان، مرکز کار آفرینی دانشگاه اصفهان.

عزیزی، محمد (۱۳۸۲)، بررسی زمینه های بروز و پرورش کارآفرینی در دانشجویان سال آخر کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

علی بیگی، امیر حسین و زرافشانی، کیومرث (۱۳۸۶)، آیا دانشجویان دانشگاه رازی کارآفرین خواهند شد؟، همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، دانشگاه سمنان، اسفند ماه.

علی بیگی، امیر حسین، اظهري، زهرا و بارانی، شهرزاد (۱۳۸۷)، تحلیل روحیه کارآفرینی دانشجویان علمی کاربردی کشاورزی مطالعه موردی استان کرمانشاه، همایش ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی، دی ماه.

غفاری، هادی (۱۳۸۷)، بررسی قابلیت‌های کارآفرینی دانشجویان دانشگاه پیام نور اراک، ملی توسعه کارآفرینی در آموزش‌های علمی کاربردی کشاورزی، دی ماه.

صباغیان، زهرا، احمد پور داریانی، محمود و عزیزی، محمد (۱۳۸۴)، بررسی ویژگی‌های کارآفرینی دانشجویان، فصلنامه پیام مدیریت، شماره ۱۳ و ۱۴.

قاسم نژاد مقدم، نیما و سیدی، میرحسین (۱۳۸۸)، دانشگاه کارآفرین پارادایمی نوین در رشد و توسعه صنعت، همایش اشتغال و کارآفرینی دانشگاه پیام نور میانه، اسفند ماه.

کرباسی، علی (۱۳۸۱)، مروری بر ادبیات کارآفرینی. فصلنامه صنایع، شماره ۳۳.

مقیمي، سید محمد. (۱۳۸۰)، سازمان و مدیریت رویکردی پژوهشی، تهران: ترمه، چاپ دوم.

نیازی، محسن و کارکنان نصرآبادی، محمد، (۱۳۸۶)، "دانشگاه کارآفرین"، همایش ملی آموزش عالی و کارآفرینی، دانشگاه سمنان، اسفند.

هزار جریبی، جعفر (۱۳۸۴)، کار آفرینی، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی.

هزار جریبی، جعفر، (۱۳۸۲)، بررسی میزان کارآفرینی دانش آموختگان علوم انسانی در عرصه نشریات فرهنگی و اجتماعی شهر تهران، رساله دکتری، دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.

هیسریچ، رابرت و مایکل، بی پیترز (۱۳۸۳)، کارآفرینی، ترجمه علیرضا فیض بخش و حمید رضا تقی یاری، تهران، مؤسسات انتشارات علمی دانشگاه صنعتی شریف.

منابع لاتین

Ahmad, S. U. (1985); "Risk- taking Personality, Focus on Control and Entrepreneurship"; Personality and Individual Difference, Vol. 6.

- Antonicic, A., and Prodan I. (2008), "Alliances corporate technological entrepreneurship and Firm Performance: Testing a model on manufacturing", *Technovation*, 28.
- Bandura, A. (1977), Self-efficacy: Toward a unifying theory of behavioral change, *Psychological Review*, 84.
- Bosma, N. and Harding R. (2006), "GEM 2006 Summery Results". <www.gemconsortium.org>
- Brinckman, H. (2005), How to be an Entrepreneurial university, the *Journal of Entrepreneurship Research*, university of Tehran.
- Byer, T., Kist, H. and Sutton, R. I. (1997), " Characteristics of entrepreneur: social creators, not solo Heroes". <www.sanforded/class/e/45/mat>
- Carland, J.W., Boulton, W.R., and Carland, J.C. (1984), Differentiating Entrepreneurs from Small Business Owners: A Conceptualisation, *Academy of Management Review*, No 9.
- Drucker, P. (1985), " Innovation and Entrepreneurship", NY: Harper Collins Publisher.
- Duhaime, I. and Hitt M. (2000), "State of Doctoral Education in Entrepreneurship". <<http://robinson.gsu.edu/rec/papers/paper3.doc>>
- Fry, F. (1993), *Entrepreneurship: A Planning Approach*, Englewood Cliffs NJ: Prentice Hall.
- Gartner, William B. (1989), "Who Is an Entrepreneur? is the Wrong Question", *Entrepreneurship Theory & Practice*, Vol.13.
- Hayton, James (2005), promoting corporate entrepreneurship through human resource management practices: A Review of empirical research, *Hum Resource Management Review*, volume 15, Issue 1.
- Howard, S. (2004), *Developing Entrepreneurial Potential in Youth: The Effects of Entrepreneurial Education and Venture Creation*, University of South Florida Report.
- Howell, J.M and Avolio, B.J. (2002) , "Transformational Leadership , Transactional Leadership, Locus of Control, and Support for Innovation: Key Predictors of Consolidated Business- Unit Performance", *Journal of Business*.
- Longenecher, G., Moore, C. and Petty, W. (1997), "Small Business anagement: An Entrepreneurial emphasis", Cincinnati, Ohio, South-Western College pub.

- Lumpkin, G.T, and Erdogan, B. (1999), "If not entrepreneurship can psychological characteristics predict entrepreneurial orientation? A pilot study", Working paper, University of Illinois at Chicago, I,L.
- McClelland, D. (1962), Business Drive and National Achievement, Harvard Business Review, No. 40.
- McClelland, D. (1965), Achievement Motivation Can Be Developed, Harvard Business Review, No. 43.
- Phillis, E. G. (1995), "Whats achievement got to do with it?" Frontiers if entrepreneurship Research Wellesleg, MA: Babson College.
- Prokopenko, Joseph and Pavlin, Igor (1991), Political Science, management development series No.2.
- Shaker, A. Zahra (2005) Cognition and international entrepreneurship; International Business Review, vol 14, Issue 2.
- Shaver, K.G. and Scoot, L.R (1991), Person, Process, choice: "The Psychology of new venture creation. Entrepreneurship Theory and Practice", 16 Winter.
- Shaver, K.G., Williams, S.L and Scoot, L.R (1990), "Entrepreneurial beliefs. Creativity and risk-taking: Personality or situation?", Unpublished manuscript, College of William and Mary.
- Spear, R. (2006), Social entrepreneurship: a different model? International Journal of Social Economics Vol. 33 No. 5/6, Emerald Group Publishing Limited.
- Thompson J. and Geoff A. (2000), "The words of the entrepreneur", Vol.38, No.5.
- Wang, k. and wang, poh-kam (2002), " Entrepreneurial interest of university students in Singapore Technovation,vol.24, Issue 2.